

ردیف	نمره	سوال
۱	۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا: (الف) لَمْ يَكْتُبِ الْكَسُولُ هَذِهِ التَّمَارِينَ! (ب) صِرَاعُ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ! (ج) إِنَّ الشَّهِيدَ يُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ! (د) نَظَرْتُ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ نَافِذَةِ الدَّارِ!
۲	۰/۷۵	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ مِنْ بَيْنِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) «سَعَى- إِرْضَاء- قَصِير- جَمِيل- حَزَقَ- قَبِيح- طَوِيل- حَاوَلَ» (الف) ..... = ..... (ب) ..... ≠ ..... (ج) ..... ≠ .....
۳	۰/۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (الف) الْعَدَاوَةُ (ب) السَّلَامُ (ج) الْحَرْبُ (د) الشَّعَائِرُ
۴	۰/۵	أَكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ: (الف) إِنَّ عِظَامَ رَجُلٍ وَالذِي مَكْسُورَةٌ! (ب) عَلَّقَ مَحْفَظَتَهُ عَلَى كَتِفِ صَدِيقِهِ! المفرد: ..... الجمع: .....
۵	۰/۵	إِنْتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (الف) أَنَا أَتَمَنِّي: « ..... وَالذِي يَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى إِلَى زِيَارَةِ الْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ!» (كَأَنَّ- إِنَّ- لَيْتَ) (ب) ..... هُوَ التَّظَاهُرُ بِعَمَلٍ لَيْسَ حَقِيقِيًّا! (السُّدَى- الْخِدَاعُ- التَّحْمِيلُ)
■ تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (۹- ۶)		
۶	۱/۷۵	(الف) ﴿رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ (ب) وَلَتَبْتَغِدَنَّ هَذِهِ الْفَرِيسَةُ عَنْ عَشَّهَا؛ لِأَنَّ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا يَتَّبَعُهَا!
۷	۱/۷۵	(الف) ﴿لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (ب) كَانَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ قَدْ بَقِيَ وَحِيدًا لِتَكْسِيرِ الْأَصْنَامِ وَ إِنْقَاذِ النَّاسِ مِنْ عِبَادَتِهَا!
۸	۲	(الف) لَا شَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ! (ب) كَانَ جَنَاحُ الْفِرَاحِ الْمَكْسُورِ خِدَاعٌ حَتَّى يَتْرَكَهَا الْمُزَارِعُ!

ردیف	نمره	سؤال
۹	۱/۷۵	الف) كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ! ب) هذه آثارٌ قد اكتشفت من خلال الكتابات و الرسوم!
۱۰	۱	كَمَّلِ الْفَرَغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) قيل: إملأ هذه الورقة بذكرى من معلمك الشهيد! ..... : این کاغذ را با ..... از معلم شهیدت پر کن! ب) لا تقذفي ذلك التمثال الذي خلق من طينة في النار! آن مجسمه‌ای را که از ..... آفریده شده است، در آتش ..... !
۱۱	۱	إنتخب الصحيح في الترجمة: الف) لم تكن لبعض الحضارات غايات دينية! ۱) برای بعضی تمدن‌ها هدف‌های دینی وجود ندارد! ۲) بعضی از تمدن‌ها اهداف دینی نداشتند! ب) لما حدث الأستاذ طلباً تأكد من ضعف تعلمهم! ۱) هنگامی که استاد با دانش‌آموزانش سخن گفت، از ضعف یادگیری‌شان مطمئن شد! ۲) زمانی که استاد با دانش‌آموزان صحبت کرد، بر ضعف آموختنشان تأکید کرد!
۱۲	۱/۵	ترجم الأفعال التي تحتها خطاً: ■ شاهد: مشاهده کرد الف) تشهد الأضنام مكسرة! ب) شاهدن نتيجة امتحاننا! ■ تكلم: سخن گفت ج) كنا قد تكلمنا بتعجب! د) لن يتكلم هذا الطفل! ■ رجم: رحم کرد ه) لا يرحم الإنسان من يظلم! و) إن ترحموا الناس يرحمكم الله!
۱۳	۱	الف) عین ما لیس فيه حرف من الحروف المشبهة بالفعل: ۱) قالت المعلمة: أيتها الطالبة، هذه التمارين لك حتى تفهمي الدرس! ۲) إنا كنا خاطئين فاستغفرونا من ذنوبنا! ۳) أنا أحب العلماء جيداً كأنهم مصابيح الأمة! ب) عین العبارة التي فيها «لا» النافية للجنس: ۱) «لا علم لنا إلا ما علمتنا» ۲) لا تحدّثني عما ليس فهم لي إلا قليلاً منه! ۳) لا تقصد الاستهزاء بأصنامكم أيها المشركون!

ردیف	نمره	سؤال
۱۴	۱/۵	<p>إِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ:</p> <p>الف) اسم المبالغة      ب) اسم التفضيل      ج) اسم الفاعل      د) اسم المكان</p> <p>«كُنَّا فِي مَجَالِسِنَا نُقَادُّ فِي مَوْضُوعَاتٍ عَدِيدَةٍ رَأَيْنَاهَا فِي بِلَادِنَا! / عَدُّونَا الْجَبَّارَ قَتَلَ أَطْفَالَنَا وَ نِسَاءَنَا! / عَضُو مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِذَعِ!»</p> <p>■ تَرَجِّمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا حَسَبِ الْعِبَارَةِ:</p> <p>هـ) لَا سَوْءَ أَسْوَأُ مِنَ الْكُذْبِ!      و) شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً!</p>
۱۵	۱/۵	<p>عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا:</p> <p>الف) الْفَأْسُنُ عَلَى كَتْفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ، فَحَاوَلْ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الشَّرْكِ!</p> <p>ب) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنِ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ!</p>
۱۶	۲	<p>إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:</p> <p>«كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ اتَّبَعُوا الْخُرَافَاتِ وَ ظَنُّوا أَنَّ تَعَدُّدَ الْأَلِهَةِ يُؤَدِّي إِلَى كَسْبِ الرِّضَا وَ تَجَنُّبِ الشَّرِّ! فَكَانُوا يُقَدِّمُونَ الْقَرَابِينَ وَ يُعَلِّقُونَ الْأَمَالَ (أَرْزُوهَا) عَلَى الْأَصْنَامِ الَّتِي لَا تَتَكَلَّمُ! وَ لَكِنَّ الْفِطْرَةَ السَّلِيمَةَ لَا تَقْبَلُ ذَلِكَ وَ الدِّينُ الْحَقُّ يَدْعُونَا إِلَى إِقَامَةِ الْوَجْهِ لِلَّهِ وَ الْإِبْتِعَادِ عَنِ الشَّرْكِ!»</p> <p>الف) مَا يُؤَدِّي إِلَى كَسْبِ الرِّضَا عَلَى حَسَبِ ظَنِّ النَّاسِ؟</p> <p>ب) إِلَى مَاذَا يَدْعُونَا الدِّينُ الْحَقُّ؟</p> <p>ج) كَيْفَ وَصِفَتِ الْأَصْنَامُ فِي النَّصِّ؟</p> <p>د) عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبِ النَّصِّ:</p> <p>۱) كَانَ كُلُّ النَّاسِ يَظُنُّونَ أَنَّ الْأَلِهَةَ الْكَثِيرَةَ تُؤَدِّي إِلَى كَسْبِ الرِّضَا! (الصَّحِيحُ / الْخَطَأُ)</p> <p>۲) لَا تَقْبَلُ الْفِطْرَةُ السَّلِيمَةُ تَعَدُّدَ الْأَلِهَةِ! (الصَّحِيحُ / الْخَطَأُ)</p>

ویژه پایه دوازدهم

آبان ۱۴۰۴

گزینهدو



مؤسسه آموزشی فرهنگی

# دفترچه پاسخ تشریحی

ارزشیابی تشریحی مرحله ۱

عربی، زبان قرآن ۳ (رشته‌های ریاضی و علوم تجربی)



۱۴۰۴-۱۴۰۵



-۱

الف) تَنبِل این تمرین‌ها را نوشته است! (۰/۲۵)

ب) کشمکش پیامبران با قوم‌های کافرشان! (۰/۲۵)

ج) همانا شهید در راه خدا می‌جنگد! (۰/۲۵)

د) به طلوع خورشید از پنجره خانه نگاه کردم! (۰/۲۵)

-۲

الف) «سَعَى» و «حَاوَلَ» هر دو به معنای «تلاش کرد»، مترادف‌اند. (۰/۲۵)

ب) «فَصِيرَ: کوتاه» و «طَوِيلَ: بلند» متضادند. (۰/۲۵)

ج) «جَمِيلَ: زیبا» و «قَبِيحَ: زشت» متضادند. (۰/۲۵)

کلمات «إِرْضَاءَ: خشنود ساختن» و «حَرَقَ: سوزاند» اضافی‌اند.

-۳

گزینه «د»؛ ترجمه گزینه‌ها:

الف) دشمنی (ب) صلح، آشتی (ج) جنگ (د) مراسم (۰/۵)

-۴

الف) مفرد کلمه «عِظَام: استخوان‌ها»، کلمه «عَظْم» می‌باشد. (۰/۲۵)

ب) جمع کلمه «كَيْفَ: شانه»، «أَكْتَفَ» می‌باشد. (۰/۲۵)

-۵

الف) لَيْتَ؛ ترجمه عبارت: «من آرزو دارم: ای کاش پدرم یک‌بار دیگر به زیارت کعبه شریف برود!» (۰/۲۵)

ب) الخِدَاعُ؛ ترجمه عبارت: «فریب، همان وانمود کردن به عملی است که واقعی نیست!» (۰/۲۵)

-۶

الف) پروردگارا، آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم، بر ما تحمیل نکن. (۰/۵)

نکته: «لَا تُحْمَلْ» با توجه به اینکه آخر فعل ساکن دارد، فعل نهی است و همچنین ضمیر «نا» با توجه به اینکه فعل قبلش مضارع است، مفعول است. دَقَّتْ کنیم که کلمه «لا» در عبارت «لا طاقَةَ» نفی جنس است و باید به صورت «هیچ ... نیست» یا «هیچ ... ندارد» ترجمه شود.

ب) و این شکار باید از لانه‌اش دور شود؛ زیرا جانور درنده‌ای او را تعقیب می‌کند! (۱/۲۵)

نکته: حرف «لِ» در فعل «لِتَبْتَغِدْ» به شکل باید ترجمه می‌شود. (و + لِ + تَبْتَغِدُ ← وَلْتَبْتَغِدْ)

-۷

الف) گفتارشان نباید تو را ناراحت کند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست. (۰/۷۵)

نکته: «لَا يَحْزُنْ» فعل نهی است و به صورت «نبايد ناراحت کند» ترجمه می‌شود. همچنین به ترجمه کلمه «إِنَّ» دَقَّتْ کنیم؛ چون بعد از فعل نهی آمده است، به صورت «زیرا» ترجمه می‌شود.

ب) ابراهیم برای شکستن بت‌ها و نجات مردم از عبادت آن‌ها تنها مانده بود! (۱)

نکته: «كَانَ + قَدْ + ماضی» به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود (کان قد بقی). همچنین کلمات «تکسیر» و «إنقاذ»، مصدر هستند.

-۸

الف) هیچ ملّتی از ملّت‌های زمین نیست، مگر اینکه آیین و روشی برای پرستش داشته باشد! (۰/۷۵)

نکته: «إِلَّا وَ» به معنی «مگر اینکه» می‌باشد.

ب) گویی بال شکسته جوجه‌ها، فریبی است تا کشاورز آن‌ها را رها کند! (۱/۲۵)

نکته: کلمه «كَأَنَّ» به معنی «گویی» می‌باشد. کلمه «مَكْسُور» صفت برای «جَنَاح» است و قبل از «جوجه‌ها» در ترجمه می‌آید. «حَتَّى» در فعل «حَتَّى يَتْرُكَهَا» به صورت «تا، براء، اینکه» معنی می‌گردد.



-۹

الف) هر غذایی که نام خدا بر آن برده نشود، هیچ برکتی در آن نیست! (۱)  
نکته: چون بعد از کلمه «کُلُّ»، اسم مفرد نکره داریم، به صورت «هر» معنی می‌شود. «لا یذکرُ» فعل مضارع منفی و مجهول است و حرف «لا» در «لا یذکرُ»، نفی جنس است.

ب) این‌ها آثاری هستند که از بین نوشته‌ها و نقاشی‌ها کشف شده‌اند! (۰/۷۵)  
نکته: چون بعد از اسم اشاره، اسمی بدون «ال» آمده، پس خبر است و به صورت خبر باید ترجمه گردد. همچنین فعل «اُکتشِفَت» به صورت مجهول ترجمه می‌شود.

-۱۰

الف) قیل: گفته شد (۰/۲۵) / ذِکْرَى: خاطره‌ای (۰/۲۵)  
ترجمه کامل عبارت: «گفته شد: این کاغذ را با خاطره‌ای از معلّم شهیدت پُر کن!»  
ب) طینة: گِل، تگه گِل (۰/۲۵) / لا تَقْذِفِ: نینداز (۰/۲۵)  
ترجمه کامل عبارت: «آن مجسمه‌ای را که از تگه گِلی آفریده شده است، در آتش نینداز!»

-۱۱

الف) گزینه ۲؛ «لَمْ + مضارع» به صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود و همچنین بعد از فعل «کان» اگر حرف «لِ» بیاید، معمولاً به صورت «نداشت» ترجمه می‌گردد. (۰/۵)  
ب) گزینه ۱؛ فعل «تَأَكَّدَ» به معنای «مطمئن شد» می‌باشد. همچنین «طَلَّابَه» به صورت «دانش‌آموزانش» ترجمه می‌شود. (۰/۵)

-۱۲

الف) تُشَاهَدُ: فعل مضارع مجهول در صیغه مفرد مؤنث غایب برای جمع مکسر غیر انسان است. ترجمه: «بت‌ها درحالی‌که شکسته هستند، مشاهده می‌شود (می‌شوند)!» (۰/۲۵)

ب) شاهِدَنَ: فعل امر در صیغه جمع مؤنث مخاطب است. ترجمه: «نتیجه امتحاناتان را مشاهده کنید!» (۰/۲۵)  
ج) کُنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا: «کان + قَدْ + ماضی» به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود. همچنین فعل در صیغه متکلم مع‌الغیر است. ترجمه: «با تعجب سخن گفته بودیم!» (۰/۲۵)

د) لَنْ يَنْتَكِمَ: «لَنْ + مضارع» به صورت آینده منفی ترجمه می‌گردد و فعل در صیغه مفرد مذکر غایب است. ترجمه: «این کودک سخن نخواهد گفت!» (۰/۲۵)

ه) لَا يَرْحَمُ: چون انتهای فعل کسره عارضی گرفته است، متوجه می‌شویم که فعل مجزوم شده و حرف «لا»، نهی می‌باشد. همچنین فعل در صیغه مفرد مذکر غایب می‌باشد. ترجمه: «انسان نباید رحم کند به کسی که ستم می‌کند!» (۰/۲۵)  
و) تَرْحَمُوا: فعل بعد از حرف «إِنَّ»، فعل شرط است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌گردد. فعل در صیغه جمع مذکر مخاطب می‌باشد. ترجمه: «اگر به مردم رحم کنید، خداوند به شما رحم می‌کند!» (۰/۲۵)

-۱۳

الف) گزینه ۱؛ حروف مشبّه در سایر عبارت‌ها به ترتیب «إِنَّ (إِنَّا)» و «كَأَنَّهُمْ» می‌باشند. (۰/۵)  
ب) گزینه ۱؛ دَقَّتْ کنیم که بعد از لای نفی جنس نمی‌تواند بلافاصله فعل بیاید. «لا» در گزینه ۲، از نوع ناهیه و در گزینه ۳، از نوع نافییه است. (۰/۵)

-۱۴

الف) اسم مبالغه: الْجَبَّار (بسیار ستمگر، بر وزن «فَعَّال» است). (۰/۲۵)  
ب) اسم تفضیل: أَعْلَى (بالاترین (بالا)، بر وزن «أَفْعَى (أَفْعَل)» می‌باشد). (۰/۲۵)  
ج) اسم فاعل: نُقَاد (مفردش «نَاقِد» بر وزن «فَاعِل»، به معنی «نقدکننده» است). (۰/۲۵)  
د) اسم مکان: مَجَالِس (مفردش «مَجْلِس» بر وزن «مَفْعِل» است). (۰/۲۵)  
ه) هیچ بدی‌ای، زشت‌تر (بدتر) از دروغ نیست! (۰/۲۵)  
و) بت‌هایشان را شکسته‌شده دیدند! (۰/۲۵)



-۱۵

الف) الفَاسُ: مبتدا (۰/۲۵) / أَكْبَرُ: مضاف إليه (۰/۲۵) / إبراهيمُ: فاعل (۰/۲۵) / النَّاسَ: مفعول (۰/۲۵)  
 ب) الكَرِيمُ: صفت (۰/۲۵) / سَيْرَةٌ: مجرور به حرف جرّ (۰/۲۵)

-۱۶

ترجمه متن:

«بسیاری از مردم در طول زمان از خرافات پیروی کردند و گمان داشتند که تعدّد خدایان (چندخدایی) موجب کسب رضایت و خشنودی و دوری از بدی می‌شود! آن‌ها قربانی می‌دادند و آرزوها (خود) را به بت‌هایی می‌بستند که سخن نمی‌گفتند! اما فطرت پاک، آن (کار) را نمی‌پذیرد و دین حق، ما را به روی آوردن به خداوند و دوری از شرک فرا می‌خواند!»

الف) بر اساس نظر مردم، چه چیزی به کسب رضایت منجر می‌شود؟ تَعَدُّدُ الْأَلِهَةِ! (۰/۵)  
 ب) دین حق ما را به چه چیزی فرا می‌خواند؟ إِلَى إِقَامَةِ الْوَجْهِ لِلَّهِ وَالْإِيتِعَادَ عَنِ الشُّرْكِ! (۰/۵)  
 ج) بت‌ها در متن چگونه توصیف شده‌اند؟ إِنَّهَا لَا تَتَكَلَّمُ! (۰/۵)  
 د)

۱) الْخَطَأُ؛ ترجمه: «همه مردم گمان می‌کردند که خدایان زیاد موجب رضایت می‌شود!» (۰/۲۵)

۲) الصَّحِيحُ؛ ترجمه: «فطرت پاک، تعدّد خدایان را نمی‌پذیرد!» (۰/۲۵)